



بازیگری نوعی خودشناسی است و در پروسه طولانی مدت که آدم کار می کند بیشتر و بیشتر خودش را می شناسد و من هر نقشی که بازی می کنم یکی از دلایل پذیرفتن آن نقش این است که دلم می خواهد آن آدم را در خودم پیدا کنم و بفهمم که آن آدم چطور است. اما الان یک جایی است که کم کم می فهمم بعضی از نقش ها را نمی توانم بازی کنم به خاطر این که از نظر عاطفی نمی توانم در خودم آن آدم را پیدا کنم که این خیلی تأثیرگذار است، وگرنه نقش هیتر یا نقش های اینچینی خیلی جذاب است

تاریخی ممکن است برایشان خیلی جالب نباشد، مگر اینکه جذابیت های سینمایی این فیلم غلبه کند.

◀ نکته دیگری که این فیلم دارد بخش های تکنیکال و فنی آن است که از هوش مصنوعی، جلوه های ویژه و... استفاده شده است. در نتیجه جذابیت های بصری و سینمایی را افزوده است.

بله. و اولین بار است که چنین چیزی در ایران ارائه می شود و یک مقدار کنجکاوی برانگیز است.

◀ و اینکه آقای حاتمى کيا تا به حال کار تاریخی نساخته بودند و این خیلی آدم را کنجکاو می کند. آیا نکته ای هست که دوست داشته باشید در رابطه با نقش خودتان بگویید؟ نه. ولی چیزی که من در هر جشنواره خارجی و ایرانی می بینم که یک مقدار من را به فکر وادار می کند و گاهی اوقات من را در علاقه شدیدی که به کمدی دارم پایم را سست می کند، این است که مقوله کمدی به عنوان یک امر زیباشناسی مطرح نیست. انگار که کمدی همیشه یک وسیله ای است برای پول درآوردن یا برای خنداندن یا کسانی که خیلی دلشان برای تنش های جامعه می سوزد. این است که با خنداندن آنها را آرام کنند یا اینکه حرف های سیاسی شان را لایه لای کمدی ارائه بدهند. همه اینها نگاهی است که کمدی را فقط وسیله ای می بیند برای یک چیزی حال چه پول باشد و چه اهداف سیاسی و چه اهداف انسانی. من این کمدی را دوست ندارم.

◀ در اولین گفت وگویی که با هم داشتیم گفتید یکی از جدی ترین ژانرهاست. در برابر کمدی گفته بودید که نگویید نقش کمدی و نقش جدی، چون کمدی جدی است.

بله. ما هم چیچو فرانکو داریم و وودی الن یا مثلاً کمدی برادران کوئن داریم که از نظر زیباشناسی و ساختار به یک نگاه جدید رسیده اند. یک زیبایی ای در آن نوع کمدی هست، ولی ما کمدی را به صورت خودآگاه و ناخودآگاه سبک می بینیم و این حیف است. به همین دلیل خیلی در جشنواره ها نمی بینیم که بازیگری به عنوان بازیگر کمدی جایزه ببرد یا فیلمی که کمدی باشد جایزه ببرد. و چون این ارزش رانمی شناسیم به همین دلیل آن نوع فیلم های بالارزش کمدی هم ساخته می شوند چون همه مان کمدی را یک وسیله می بینیم یا برای پول درآوردن یا برای گفتن حرف مان.

تارانتینو، وودی الن یا حتی بعضی از فیلم های اکشن را بیشتر ترجیح می دهم که ببینم ولی بعضی از فیلم ها شما را جلو می برد و بعضی از فیلم ها نمی برد، این فیلم توانست من را جلو ببرد، از اول تا آخر بُرد. یک صمیمیتی در قصه بود و مهم تر از همه اینکه زیاده گویی نداشت.

◀ یکی از ویژگی های کارهای تاریخی که بازیگرها با آن مساله پیدا می کنند یا برایشان ایجاد چالش می کند، دیالوگ ها است. بله. موضوع جالبی است. یکی از دلایلی که من هیچ وقت زیاد به فیلم های تاریخی علاقه نداشتم به خاطر نوع دیالوگ ها است برای اینکه مال خودم نمی شد و نمی توانستم آن را مال خودم کنم، اما اینجا خیلی راحت روی من نشست و نیاز نداشتم خیلی آن را تغییر بدهم که مال خودم بکنم. این را از همان روز اولی که خواندم بخصوص نقش آتوبیس را در عین اینکه دوست داشتم، ولی می ترسیدم که نکند اینطور حرف می زند واقعی به نظر نیاید، ولی آمد و برای من که طبیعی بود.

◀ پس دیالوگ برایتان راحت بود؟

بله برای من راحت بود.

◀ در عین اینکه یکی از ویژگی های کارهای تاریخی دشواری دیالوگ گفتن است.

بله خب مخاطب ارتباط برقرار نمی کند، چون از همان ابتدا هم خود بازیگر هم ارتباط برقرار نمی کند. «آری آنجاست»، «آری او کیست که از آن دور می آید»، «من غمگین هستم». این نوع زبان برای طبیعی بازی کردن یک سد است، ولی در این کار آزردهنده نبود و در بعضی جاها هم من از کارگردان انعطاف می دیدم که به بازیگرها اجازه می داد که یک مقدار به طرف عادی صحبت کردن هم بروند و خیلی با وسواس مریض گونه برخورد نکنند.

◀ فکر می کنید مردم با این جنس کارهای تاریخی. مذهبی در سینما ارتباط برقرار کنند؟

نمی دانم. من فکر می کنم از فیلم های اجتماعی که قصه های روز است، سخت تر خواهد بود و قصه هایی که به نوعی یا به ظاهر و یا واقعاً خط قرمز را رد می کنند، بیشتر مورد توجه مخاطب ایرانی هستند. برای اینکه ما ایرانی ها اینطور دوست داریم که یک کسی از خط قرمز رد بشود. این فیلم رد نشده است فقط ممکن است برای کسانی که یهودی ستیز هستند یک مقدار اذیت کننده باشد، ولی برای کسانی که یهودی ستیز نیستند این فیلم می تواند جذاب باشد. ولی مردم دوست دارند مشکلات خودشان را ببینند و الان به قدری مشکل دارند که لزوماً یک قصه مذهبی -

